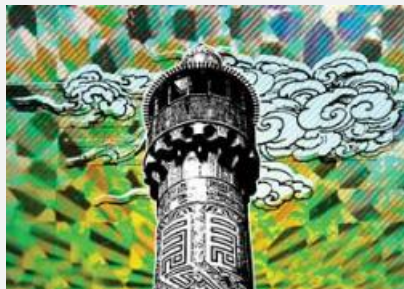


اخلاق اسلامي و اندیشه ایرانی

نگرش معنوي و توجه به مباهدي اخلاق الهي و سير به سمت مصدر خير از دير باز در نهاد ايران و ايراني ریشه دارد...



جام جم آنلاین: نگرش معنوي و توجه به مباهدي اخلاق الهي و سير به سمت مصدر خير از دير باز در نهاد ايران و ايراني ریشه دارد و توجه ژرف ایرانیان به این امور باعث شده تا در جهان اخلاق سرآمد باشند، چه ايراني در هر دوره‌اي خواسته است که سجايای اخلاقي ملاک و میزان اعمال خرد و کلان وي باشد و تا می‌تواند از زشتي و پليدي دور شود.

این‌گونه تفکر و توجه به سمت اخلاق الهي و به تبع آن خلق اجتماعي قدمتي بس دیرینه در این خاک پاك دارد، چه تعالیم ادیان باستان نیز به آن تاکید و آن را ملاک و معیار زندگی قرار داده و با توجه به آن سعي در رسیدن به فره و تأیید ایزدي داشته‌اند و از همه مهم‌تر این که این اخلاق سمت و سوي روحاني و الهي داشته که حاکی از بلندای فکر و اندیشه حاملان و عاملان آن است و از جمله مهمات این سجایا عدالت گستري و دهش است که تاکید فراواني بر آن شده است. چنان‌که حکیم طوس در این باره بیان می‌دارد:

فریدون فرخ فرشته نبود

ز مشک و ز عنبر سرشته نبود

به داد و دهش یافت این فرهی

تو داد و دهش کن فریدون تویی

و بر پایه همین عدل و داد و دهش بود که انسان خاکی مبدل به مرغ ملکوتي گشته و لایق فرهمندي شده و قدرت غلبه بر اهریمن می‌یافت.

اما ادامه این روند و توجه به ملکات فاضله اخلاقي بعد از طلوع آفتاب جهانتاب اسلام از افق ايران و روشن نمودن فضاي تاریک آن زمان بسیار عمیق‌تر و ژرف‌تر گشته و زایشی معنوي را در دل ايراني پدید آورد و روح خسته وي را جانی تازه دمید.

اسلام با تعالیم عالیّه خویش و با تکیه بر توحید محض باری‌تعالی، اخلاق نابي را ارائه کرد که آشنایی سایر ملل با آن، قلوب مستعدان و تشنگان وادی معرفت الهي را جذب و آنان را شیفته و شیدای سادگی و ژرفای بی‌حد و حصر خود کرد. اخلاقي که قرآن مطرح می‌کند نه انسان را به کنج عزلت و خمولی تن می‌کشاند و نه از چارچوب انسانی خارج می‌کند، تعادل و توازن روح و جسم را ایجاد کرده باعث می‌شود تا انسان در سیر خویش به سوي حق‌الحقایق درعین حضور در اجتماع سیر در درون نموده، سلوک معنوي پیشه سازد و این موضوع قول عارف نامی ابوسعید ابوالخیر را تداعي می‌نماید که: در هوا روی مگسی باشی، بر آب روی خسی باشی... شرط آن است که در میان مردم باشی و از خدا غافل نشوی.

ایرانیان با مشاهده این طبع و منش والا و درک عینی آن در وجود ذی جود ختمی مآب(ص) که رحمت عالمیان بود و نیز مواجهه با ژرفای عمیق فتوت سرور فقیان عالم مجذوب این خصال شده و با دل و جان پذیرا گشتند.

در این باره در کتاب خاتم‌النبيين تالیف عباس مه‌رین آمده است: می‌گویند امیرالمومنین چون به صفین می‌رفت به مداین گذرش افتاد. ایرانیان شنیدند که خلیفه یا به گفته خودشان شهنشاه می‌آید. پذیرایی نمودند و بیرون شهر شتافتند و چون نگاهشان به خلیفه افتاد نماز بردند و تعظیم نمودند. خلیفه پرسید این چه حالی است؟ گفتند رسم ایرانیان چنین است که فرمانده را چنین تعظیم کنند. علی(ع) فرمود باید به خداوند متعال سر فرود آورد و او را نماز برد. شایسته نباشد به ماسوای او چنین تعظیم نمایید. اگر می‌خواهید ارادت و محبت خویش را اظهار کنید بر او سلام نمایید. این بود قیامتی که در جامعه ایران پدید گشت و پدید کننده آن خاتم‌النبيين(ص) بود¹.

ایرانیان که توسط سلمان فارسی و هرمزان با حقیقت اسلام آشنا شده بودند و نیز کسانی که از تعصب قومي و نژادي به دور بودند به آغوش اسلام پناه بردند و این موضوع در طول ازمه باعث شد که مردمان این سرزمین به کنه عقاید اسلام وقوف یافته و بواطن آن را ادراک کنند که این مسأله باعث ایجاد آثار و اثرات شگرفی در تاریخ ایران شد.

مردم ایران در اعصار بعدی و با تکیه بر همین آموزه‌ها یعنی تعالیم ناب اسلام و سنت رسول اکرم(ص) و سیرت علی مرتضی(ع) و 11 سلاله پاک حضرت، آثار و اثراتی از خود به یادگار نهادند که هر کدام از آنها در عصر خود بدیع و بی‌نظیر بود که حاکی از تأثیر عمیق اسلام در روح و جان ایرانی داشت.

از جمله آثاری در اخلاق الهی و اجتماعی به وسیله عرفا و حکمای این سرزمین تألیف شد که مباحث عالیه اخلاقی و سلوک فردی را در عین حال رعایت مبادی انسانی در اجتماع مطمح نظر قرار داده و باعث سوق جامعه به سوی تعالی و توازن می‌شد.

نکته: یکی از صبغه‌های اخلاقی را در جامعه ایرانی می‌توان در جوانمردی و فتوت مشاهده کرد جوانمردان این سرزمین در دوران اسلامی با تکیه بر آیات و سنن توانستند اخلاقی را بنیان نهند که در آن جوامع انسانی از خاک به افلاک بر شود نجم‌الدین رازی در مرصاد العباد آورده است: متابعت هوا کردن از راه خدای افتادن است و مخالفت هوا کردن راه خدای رفتن است.... پادشاهی خلق با مقام و مرتبه نبوت می‌توان کرد. چنان‌که هم رعایت حقوق جهانداری و جهانگیری و عدل گستری و رعیت پروری کند و هم حق سلوک راه دین و حفظ معاملات شرع بجای آورد2.

از جمله این کتب، اخلاق ناصری خواجه نصیرالدین طوسی، بوستان و گلستان شیخ اجل سعدی، سیاست‌نامه خواجه نظام‌الملک، مرصاد العباد نجم‌الدین رازی و.... را می‌توان مثال زد که هر کدام در نوع خویش کوشیده‌اند جامعه یا حکام را به سوی عدالت و حق‌مداری سوق داده از کژی بازدارند. برای مثال سعدی شیراز درباره رعایت اخلاق اجتماعی و ثمره آن در حیات اخروی می‌نویسد:

کسی خسبد آسوده در زیر گل

که خسبد از او مردم آسوده دل

یا:

طریقت به جز خدمت خلق نیست

به تسبیح و سجاده و دلق نیست

یا حافظ شیراز می‌گوید:

آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است

با دوستان مروت با دشمنان مدارا

اما یکی دیگر از صبغه‌های اخلاقی و منش والای انسانی را در جامعه ایرانی می‌توان در جوانمردی و فتوت مشاهده کرد، جوانمردان این سرزمین در دوران اسلامی با تکیه بر آیات و سنن توانستند اخلاقی را بنیان نهند که در آن جوامع انسانی رو به رشد و تعالی نهاده از خاک به افلاک بر شود.

اصول اخلاقی را که در فتوت بیان می‌شود بسیار دقیق و نیز لازم‌الاجراست و یک جوانمرد لاجرم باید متصف به این صفات حسنه بوده و خود نمونه بازر آن شود و این موضوع چنان حائز اهمیت است که مشاهده می‌کنیم در تاریخ این مرز و بوم و قبل از تدوین قوانین امروزی، اصول و معیارهای فنیان در جوامع ساری و جاری بوده و در حکم قانون عمل می‌نمود تا جایی که هر صنف از صنوف جامعه تحت نظارت پیر فنی قرار داشت که هم از لحاظ علم و هم عمل از سایرین ممتاز و به فضایل اخلاقی آراسته بود و این پیر فنی قوانین آن صنف را تدوین و بر اجرای درست آن نظارت کرده و خاطی را مجازات می‌نمود.

اما از وراي اخلاق اجتماعي و سلوک ابناء بشر با یکدیگر در فتوت، اخلاق الهی مطمح نظر قرار دارد که یک جوانمرد را به پایه پهلواني سوق داده و در نهایت تبدیل به عارفی کامل و سیمرغی بی‌بدیل می‌نماید.

در کل ایرانیان با تاسی به منش پاک و قلب چون آئینه خویش تعالیم ژرف اسلامی و سیره نبوی و امامان معصوم(ع)، حصه‌ای بزرگ از اخلاق را دارا بوده و سعی می‌کردند آن را در زندگی خویش چه در عبادات و چه در معاملات و... مرعی نموده و پای را از دایره آن بیرون نهند و این میراث عظیم را حفظ و حراست و به نسل آینده منتقل نمایند.

پي نوشت‌ها:

- 1 - خاتم النبیین یا تاریخ زندگی پیامبر اسلام تالیف پروف‌سور عباس شوشتری (مهرین)، موسسه مطبوعاتی عطایی 1349.
- 2 - برگزیده مرصادالعباد نجم‌الدین رازی از دکتر محمد امین ریاحی، انتشارات توس، 1361.

امیر هاشم‌پور / جام‌جم